

پیش‌خواران

نظری به باریکه خون و مقاومت از دریچه ۱۶‌راویات

«پایی در غزه» تلاشی در بازنمایی جنایت قرن

■ شاهد توحیدی



آنچه از طوفان الاقصی بدین سو، بر غزه زخم خورده گذشته است را به حق می‌توان جنایت قرن نامید و عده‌ای نیز نامیده‌اند. این رخداد

که،بدیل تاریخ و دوران ما در کنار سایر ابعاد و جوانب خویش ادبیاتی متناسب با خود آفریده است. اثری که هم ایک در معرفی آن سخن می‌رود نیز بخشی از این ادبیات قلمداد می‌شود. «پایی در غزه» از سوی ابراهیم اکبری دیز گانه گردآوری شده و شامل ۱۶ روایت از نویسندگانی با رویکردهای گوناگون از این رخداد جنایت بار است. این مجموعه، از سوی انتشارات سوره مهر روانه بازار کتاب شده است. تاز نمای ناشر طی مقالی و در اشاره به مضمون و محتوای این مجموعه نکات ذیل را از نظر دور نداشته است:

«پایی در غزه؛ ۱۶ روایت از ما و غزه به گوش ابراهیم اکبری دیز‌گانه به چاپ رسید. این اثر روایت‌هایی از ۱۶ نویسنده است که نسبت خودشان را با غزه و در جواب سؤال ما چه نسبتی با غزه داریم، نوشته‌اند. چند هفته بعد از شروع طوفان‌الاقصی، مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری تعدادی از داستان‌نویسان را دعوت کرد تا درباره فاجعه‌ای که در غزه رقم خورده، گفت‌وگو کنند. پس از این جلسه ابراهیم اکبری دیز‌گانه با همفکری بهژاد دانشگر، مدیر دفتر ادبیات داستانی حوزه هنری از تعدادی از نویسندگان دعوت کردند تا همچنان ضمن تفکر روی سؤال که به چه نسبتی با غزه داریم، درباره این موضوع بنویسند. حاصل این دعوت، ارائه ۱۶ روایت از ۱۶ نویسنده شد که به این شرح است: پایی در غزه از ابراهیم اکبری دیز‌گانه، الهیات‌تنهایی



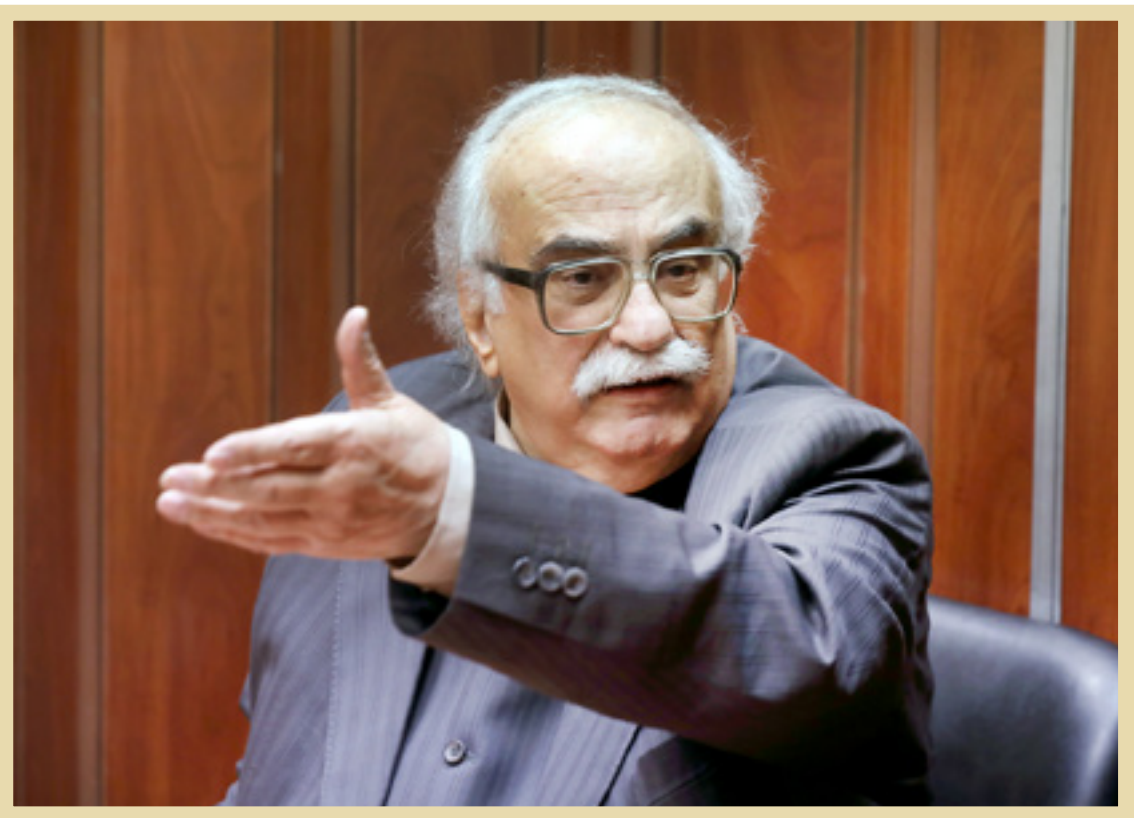
▲ ۱۸‌تاه ۱۴۰۵.نمایی از کشتار در نوار غزه

نوشته یوسف شیخی، چقدر همه ما یکی هستیم از حسن کی‌قبادی، سطل آب را بریز نوشته فاطمه دلآوری پاریزی، وقتی جهان برهنه می‌شود از میثم امیری، سوگ‌هایی که به زندگی ختم می‌شوند به قلم فاطمه مرادی، ما از مومن توحیدی فلسطین از علیرضا سمعی، خم‌عبسی نوشته زهرا المایمر، قصه من و یوسف از کمیل سهولانی، تصور کن اگه حتی تصور کردنش سخنه به قلم زینب خزایی، هفت روایت از روزمرگی ریحانه و آمل نوشته مجتبی نی‌اسدی، نمایش روی بیلبوردهای شهر از محمدرضا زروندی، خون از رزان، بیوج از من نوشته زهره دلجو، هفت ماه تمام روز قدس از زینب علی‌اشرفی، زخم‌های نامریی نوشته مصطفی سلیمانی و فردا و فرادهای دیگر نوشته محمدعلی رکنی. نویسندگان در این اثر، از منظرهای گوناگون به غزه توجه کرده‌اند؛ از نگاه عاطفی و حسی گرفته تا نگاه‌های فلسفی، الهیاتی، جامعه‌شناسی و سیاسی و تاریخی. به تعبیر دیز‌گانه، پایی در غزه هر چند همه صداهایی که در جامعه ایرانی نسبت به غزه شکل گرفته را نمایندگی نمی‌کند، اما حتی‌الامکان کوشیده است تا به همه صداهای برخواسته احترام گذاشته شود، هر چند با نظر او هم متفاوت یا مخالف باشد. اکبری دیز‌گانه این کتاب را به امام موسی صدر، رهبر فقید شیعیان لبنان که اولین بار از زبان او شنیده است‌که در اسرائیل شر مطلق است و ادوارد سعید که امکان اندیشیدن به وضعیت فلسطین را برایش فراهم کرده، تقدیم کرده است. در بخش پایانی کتاب، راوایان به ترتیب روایت معرفی شده‌اند. پایی در غزه با شمارگان هزار و ۲۵۰ نسخه، در ۲۶۴ صفحه و باقیمت ۲۲۵ هزار تومان، در انتشارات سوره مهر به چاپ رسید…»

تاریخ ۸۸۵۳۳۰۶۰

عاریخ

تاریخ ۸۸۵۳۳۰۶۰



محمدتهدی صادی |عزرا

«تاریخچه تعلق تنگه‌هرمز به ایران و فرجام جنگ کنونی»

در گفت‌وشنود با خسرو معتضد – بخش نخست

تنگه‌هرمز به طنابی تبدیل شده که در حال خفه کردن ترامپ است!

یک دریاسالار و همراه اسکندر مقدونی بود. نیروی

دریایی‌اسکندر در بازگشت از فتح هندوستان، به دلیل طولانی بودن راه از رود سند وارد اقیانوس هند شدند. منابع همه اینها در سفرنامه نثارخوس موعود و در قالب کتاب‌هایی با همین عنوان نیز منتشر شده است. اولین بار، «آریان» این سفرنامه را پیدا و چاپ کرده است. این کتاب، تماماً از ایران و مسائل آن صحبت می‌کند. اینجا، جزء سرزمین سلسله هخامنشی بود. آنها در طول سفر به جایی به نام «سیرامونت» می‌رسند که منظور همان بندرعباس است. «هرمز» که جزیره و تنگه معروف به آن خوانده می‌شود، نام یکی از رب‌النوع‌های قدیم ایرانی بوده است. در دوران پس از اسلام، هرمز نام یک شهر در منطقه‌ای بوده که بعدها در قرن هفدهم، «بندرعباس» نام گرفت.

وقتی مغول‌ها حمله کردند، ساکنین این شهر به دریا رفتند و در جزیره روبه‌روی هرمز – که جزیره «قرون» یا به اصطلاح عرب‌ها «جرون» نام داشت و تحت حاکمیت سلسله «تورانشاهیان» بود- ساکن می‌شوند. این نواحی را «هرمز» می‌خواندند؛ شهری که از زمان ساسانیان به‌جای بندرعباس بود. علت مهاجرت مردم هرمز نیز این بود که مغولان به هرجا با می‌گذاشتند، مردم آنجا را می‌کشتند. از آن زمان به بعد، یعنی از زمان ساسانیان، نام این جزیره هرمز نام گرفته و این تنگه را نیز به همین نام می‌خواندند. تمام نقشه‌های جغرافیایی جهان که منتشر شده است، این نقطه را به نام «تنگه هرمز» خوانده‌اند که مربوط به زمان ساسانیان است و در ادامه نیز به دوره اسلامی منتقل می‌شود. بنابراین این منطقه همیشه متعلق به ایران بوده و اسناد و آثار فراوانی نیز در این زمینه وجود دارد. تمام نقشه‌های جغرافیایی هم از این کلمه استفاده می‌کرده‌اند و از نام موفقِ همسان هرمز برای آن استفاده نشده است.

«خلیج فارس»، از چه دوره‌ای و چرا به این نام خوانده می‌شده است؟

«خلیج فارس» هم، از دوره داریوش کبیر به همین نام بوده است. وقتی داریوش می‌رود که مصر را تصرف کند، بوجار بورسن به او می‌گوید شما از راه خشکی، (یعنی از راه عراق و سسوربه آمده‌اید)، چرا از راه دریا نیامدید؟ داریوش در جواب می‌گوید ما کشتی نداشتیم و راه دریایی را هم نمی‌دانستیم. بوجار بورسن علاقه زیادی به ایران داشته و با ایران نیز همکاری می‌کرده است؛ حتی در آن دوره، داریوش هم در زمره فراعنه محسوب می‌شد. در واقع هخامنشیان، دو سلسله



«تغالی» از نقاشراتعلیه‌تنتایهاو در اسرائیل

د د

بی‌شک ایران از ۲ هزار و ۷۰۰ سال پیش، بر خلیج فارس فرمانروایی داشته است. سلسله ایلامی، یکی از سلسله‌های ایران در قبل آبراه مهم منطقه حاکمیت داشته است. در آن دوره، هیچ دولتی در کرانه‌های جنوبی خلیج فارس وجود نداشته و این نواحی که امروزه ساحل غربی خلیج فارس نامیده می‌شود، فاقد سسکنه بوده است.

به همین سبب، هر دو سوی این آبراه، بخشی جدایی‌ناپذیر از قلمرو حاکمیت ایران محسوب می‌شد

«هرمزگان» نامیده می‌شود، تحت عنوان «وتردام دو اسسیرانس» در اشغال پرتغالی‌ها بود. سال ۱۳۵۰، تمام اسناد و مدارکش از اسپانیا و پرتغال به ایران منتقل شده است. حداقل سه، چهار کتاب، مربوط به ترجمه این اسناد پرتغالی و اسپانیایی در دسترس ماست.

درباره نحوه بازپس‌گیری این مناطق پس از ۱۱۷ سال نیز توضیحاتی داشته باشید.

براساس معاهده استانبول، تبریز به مدت ۱۸ سال تحت سلطه دولت عثمانی بود. شاه‌عباس هم چون در ۱۴- ۱۵ سالگی به حکومت رسیده و یک شاه جوان و ضعیف بود، این معاهده را پذیرفت، اما بعدها، شاه‌عباس ابتدا یزکان را از خراسان و سپس عثمانی‌ها را پس از ۳۵۰ جنگ از مغرب ایران (آذربایجان و قفقاز) بیرون می‌کند. پس از آن هم نگاه خود را به جنوب ایران معطوف می‌دارد و به دولت اسپانیا دستور تخلیه می‌دهد، ولی اسپانیایی‌ها از این کار سر باز می‌زنند. شاه‌عباس، تصمیم به تجارت ابریشم داشت و ناچار بود از راه دریای خزر استفاده کند. هم از این روی، ناگهان به الله‌وردی خان، سپه‌سالار دستور حمله می‌دهد؛ الله‌وردی خان نیز همراه با سپاهش از راه زمینی حمله می‌کند، پرتغالی‌ها را کشته و بندر گمبرون را تصرف می‌کند. در اینجا، نام گمبرون به بندرعباس تغییر می‌یابد. ۱۰ سال بعد حمله دیگری می‌کنند و بحرین را که همچنان در تصرف پرتغالی‌ها بوده به تصرف خود درمی‌آورند. در ادامه، امام‌قلی خان هرمز و قشم را نیز از چنگ پرتغالی‌ها خارج می‌کند و مناطق جنوبی و دریایی ایران، مجدداً به قلمرواش ضمیمه می‌شوند.

اعمال حاکمیت ایران بر تنگه هرمز، در طول تاریخ با چه چالش‌هایی مواجه بوده است؟

همانطور که اشاره کردم، این حاکمیت همیشه وجود داشته است. ایرانی‌ها همیشه بر جنوب فرماتروایی داشتند و این حاکمیت از دوره شاه‌عباس کاملاً تثبیت شد و قطعیت یافت. ما در آنجا حاکم داشتیم. مثلاً شخصی می‌آید به نام «دون گارسیا دسیلوا فیگئروا». کتاب خاطراتش که بسیار مفصل است، به چاپ رسیده است. او بر آن، اساساً ایران در آن دوره صاحب نیروی دریایی بوده است. حتی قدرت نیروی دریایی ما به حدی رسید که در زمان داریوش تصمیم می‌گیرند تا دور آفریقا را بگردند؛ سیلاکوس یک دریاسالار در خدمت خشایار شاه است که علاقه دارد این دریاوردی را انجام بدهد، اما دچار طوفان می‌شود و از ادامه مسیر باز می‌ماند. در دوران پس از سلسله تورشاهی – که یک سلسله ملوک‌الطوایفی شمال و جنوب خلیج فارس است، تحت اختیار داشته – تا زمانی که پرتغالی‌ها به این منطقه حمله می‌کنند، این خلیج در اختیار ایران بوده است. این اشغال مربوط به قرن شانزدهم، یعنی ۱۵۰۰ میلادی است. الفونسو د‌البورک یک یکی دریاسالاران واسکو دوگاماس که جزیره هرمز را تصرف می‌کند، این نواحی تا ۱۱۷ سال، تحت اشغال پرتغالی‌ها قرار می‌گیرد. پرتغالی‌ها و اسپانیایی‌ها در سال ۱۵۸۰ با هم متحد می‌شوند و هر دو دولت، بر این ناحیه حکومت می‌کنند و مرز کشان را هم «گوا» دماغاعی در جنوب هندوستان قرار می‌دهند که نوک آن رو به سواحل ایران است. اگر از گوا حرکت کنید، به ساحل ایران می‌رسید.نایب‌السلطنه اسپانیا نیز در آنجا ساکن بود.

افسران و فرمانروایان پرتغالی هم در «گمبرون» حضور داشتند. گمبرون به معنای «خرچنگ قرمز» است و دلیل نامگذاری هم وجود اینگونه سخت‌پوست است که در بندرعباس به‌وفور یافت می‌شود. در آن دوران جزیر سرهمز و تمام نواحی‌ای که امروز دریاچه پرتغال نیز در سال ۱۴۵۰ فعالیتش را آغاز کرد. البته شاه‌عباس چون مشکلات عمده‌ای با یزکان و عثمانی‌ها داشت، نتوانست در پی ایجاد نیروی دریایی باشد؛ چون عثمانی‌ها مرتب به ایران حمله می‌کردند. شاه‌عباس با دولت گوناگونی هند هم مشکلاتی داشت. آنها شهر قندهار را می‌خواستند و شاه‌عباس می‌خواست آنجا را تصرف کند. بنابراین بیشتر مناقشات شاه‌عباس، مربوط به خشکی بود و در دریا چندان دعوایی نداشت. پس از اینکه پرتغالی‌ها را بیرون کرد، انگلیسی‌ها و هلندی‌ها آمدند و به ایران گفتند نیروی دریایی ما در اختیار شماست، هر وقت امر بفرمایید ما در اختیارتان هستیم؛ این موضوعات باعث بروز یک اشتباه بزرگ از جانب شاه‌عباس در پی توجهی نسبت به شکل‌دهی نیروی دریایی شد.

البته بعدها نادرشاه این نقیصه را جبران کرد، ولی چون نادرشاه پیوسته در جنگ بود با کشته‌شدن

۹ جوان

روزنامه جوان | شماره ۲۶۱۳

اونیروی دریایی‌اش هم از بین رفت!
آیا در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران، از بسستن تنگه‌هرمز به‌عنوان یک اهرم نظامی در برابر متجاوزان استفاده شده است؟

درخصوص سؤالی که مطرح کردید، باید بگویم که خیر هیچ وقت سابقه نداشته، چون همانطور که اشاره کردم ما نیروی دریایی قدرتمند و پراکنده‌ای نداشتیم. این قدرت را الان به دست آورده‌ایم. از طرفی و با تأسف فراوان در آن دوران مرکز ثقل نظامی ما خرمشهر بوده که در انتهای اروندرود قرار دارد. این اولین بار است که ایران موفق شده بر تنگه‌هرمز مسلط شود. معاون اول رئیس‌جمهور هم چند روز پیش بسیار خوب صحبت کرد و گفت از نظر ما مسئله تنگه‌هرمز حل شده و کشورها باید برای عبور از آن عوارض پرداخت کنند. کما اینکه در کانال پاناما و کانال سوئز هم عوارض می‌گیرند و از این طریق درآمد دارند. عبور کردن از مسیر خلیج فارس و تنگه هرمز برای بسیاری از کشورها به صرفه‌تر از سایر آبراه‌هاست. در روزهای اخیر، حتی رئیس‌جمهور مصر اعلام کرده که در حال حاضر به علت نیامدن کشتی‌ها به آن مسیر، ۱۰ میلیارد دلار خسارت دیده است!

ارزیابی‌تان از مسدودکردن تنگه‌هرمز از سوی ایران چیست؟

به هر حال ایران ناچار است که از خود دفاع کند. روشن است که در این مسیر با بسیاری از کشورهای جهان وارد چالش خواهیم شد، چون قیمت نفت به‌شدت افزایش یافته است. مضافاً بر این، تنها نفت نیست که از تنگه‌هرمز رد می‌شود. مواد مهم دیگری همچون فسفات، اوره، کود شیمیایی، آلومینیوم و بسیاری از دیگر اقلام مورد نیاز دنیا نیز از این تنگه عبور می‌کنند. مثلاً می‌دانید که بحرین، یکی از تولیدکنندگان مهم آلومینیوم در جهان است. علاوه بر اینها، بسیاری از مواداولیه مورد نیاز دنیا که در ساخت محصولات مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرند، باید از تنگه‌هرمز عبور کنند. بنابراین تنها مسئله عبور نفت و گاز نیست، بلکه تمام احتیاجات اروپا از این تنگه عبور می‌کند. الان در دنیا، تورم وحشتناکی به وجود آمده و برخی جایگاه‌های بنزین تعطیل شده‌اند؛ شرکت هواپیمایی اسپریت آمریکا نیز روز ششک و تعطیل شده است. شرکت لولتازراد صد دارد که نرخ بلیت‌های خود را افزایش دهد و دلیل این امر را گران شدن سوخت اعلام کرده است. با توجه به این مسائل، به نظر می‌رسد که ادامه این وضعیت برایشان قابل تحمل نیست و تاگزیر از این هستند که با ایران وارد مذاکره شوند و رضایت کشورمان را به دست آورند.

عده‌ای از جامعه‌شناسان بر این باور بودند که بسنت تنگه‌هرمز یک اجماع جهانی علیه ایران ایجاد می‌کند. ارزیابی شما درباره اینگونه پیش‌بینی‌های محقق نشده چیست؟

این سخن که ادعای باطلی از آب در آمد. نه تنها علیه ایران اجماع جهانی ایجاد نشد، حتی کشورهای مثل انگلستان، فرانسه و بلژیک، خودشان را کنار کشیدند و ترامپ هم از آنها دلخو است. اساساً او برس همین دلخوری ۳ هزار نفر از نیروهای ارتش خود را از آلمان و بلژیک خارج و آنها را به خلیج فارس فرستاد تا به قول خودش علیه ایران عملیات انجام دهند. این‌هم که می‌گوید نیروی دریایی ایران زیر آب رفته با ضربات اسلسی خورده، دروغ است. ایران نیروی دریایی قوی دارد که در نقاط امنی مستقر هستند. نیروی هوایی‌مان نیز به قوت خود باقی است. هرچند امریکایی‌ها ناو تدارکاتی دارا مرود هفاد دادند و حدود ۱۰۰ دانشجوی سال آخری آن را شهید کردند، اما مایقی ناوها که تعدادشان هم کم نیست، در اماکن امن مستقر هستند. بنابراین الان تنگه‌هرمز تبدیل به طنایی شده که دارد ترامپ را خفه می‌کند!

امروز کاری که دولت ایران باید انجام دهد، این است که تعاملات خود را با مراکز رسانه‌ای نسبتاً بی‌طرف جهان، افزایش دهد. با وجود شکایات ایران به دیوان داوری لاهه نمی‌دانم چرا سفرای ما در دنیا بساکت هستند؟ آیا متوجه ضرورت فعالیت تبلیغی و ارتباط بسا مراکز خبری جهان نشده‌اند؟ فقط سفراهای ما در تاجیکستان و چند کشور دیگر، پست‌ها و تصاویر زیبا و پررقمومی در اختیار می‌کنند. مثل این‌که منتشر می‌کنند. کاری که در پاسخ به ادعای ترامپ مبنی بر طرفدار حضرت مسیح بودنش انجام و تصویری منتشر شد که در آن مسیح با یک لگد ترامپ را به طرف جهنم بسیار زیاد است. ۷۰ هزار شکایت از خراب شدن خانه‌ها، مغازه‌ها و اتومبیل‌ها رسیده که شهرداری تل و لو باید خسارت آنها را پرداخت کند. ما الان باید مخالفان بنیامین نتانیاهو را در اسرائیل تقویت کنیم تا آنها هم بتوانند در حد خود به او ضربه وارد کنند، چون در کلیت رویدادها، مردم اسرائیل به‌شدت از او بیزارند و باید از این ظرفیت هم بهره برداری کرد.